

# زمینه فرهنگ‌شناسی

تألیفی در

افسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی

با تجدید نظر و اضافات

دکتر محمود روح‌الامینی

استاد دانشگاه تهران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۱۱-۳۸	بخش اول: شناخت و بینش
۱۱	واژه فرهنگ
۱۲	مفهوم فرهنگ
۱۵	فرهنگ در زبانهای اروپائی
۱۵	فرهنگ در زبان عربی
۱۶	تعریف و تبیین فرهنگ
۱۹	ویژگیهای فرهنگ
۲۲	فرهنگ مادی و غیرمادی
۲۵	عناصر فرهنگ
۲۶	عنصر فرهنگی
۲۶	ترکیب فرهنگی
۲۷	حوزه فرهنگی
۲۹	خرده فرهنگ
۳۱	قوم‌مداری
۳۵	تغییرات فرهنگی
۳۹-۸۲	بخش دوم: قلمرو و گسترش
۳۹	فرهنگ و سنن
۴۱	فرهنگ و نهاد اجتماعی
۴۲	فرهنگ و جامعه
۴۷	فرهنگ و تمدن
۵۷	تکمله‌ای بر تحولات تمدن و شهرنشینی
۵۸	فرهنگ و شخصیت
۶۱	فرهنگ و جرم
۶۵	فرهنگ و نژاد
۷۱	فرهنگ و هنر

۷۶	فرهنگ و اساطیر
۸۰	فرهنگ و فولکلور
۸۳-۹۶	بخش سوم: روشها و نگارش
۸۳	فرهنگ و دبستانهای انسان‌شناسی
۸۴	دبستان تطور و تحول
۸۶	دبستان اشاعه
۹۰	دبستان بکارآیی
۹۲	دبستان ساختار
۹۷-۱۲۲	بخش چهارم: پویایی و پذیرش
۹۷	فرهنگ‌یابی
۹۸	فرهنگ‌پذیری
۱۰۱	خصوصیات فرهنگ‌پذیری
۱۰۳	فرهنگ‌پذیری در عصر حاضر
۱۰۶	واکنش‌ها
۱۰۷	و نظری دیگر
۱۱۰	هویت فرهنگی
۱۱۲	ضد فرهنگ
۱۱۳	قومیت‌کشی
۱۱۶	سرما به فرهنگی
۱۱۸	فرهنگ و توسعه
۱۲۳	پس افتادگی فرهنگی
۱۲۹	بخش پنجم: یک آمریکایی صد در صد
۱۳۵	مردم‌شناسی به کجا میرود
۱۴۹	هویت فرهنگی کرمان
۱۵۹	هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست
۱۸۵	منابعی که در فرهنگ‌شناسی توصیه میشود
۱۹۱	اصطلاحات کتاب و معادل آنها
۱۹۳	فهرست کتابها و مقاله‌هایی که...
۱۹۶	فهرست اعلام

## بنام خداوند فرهنگ و رای

اصطلاح فرهنگ از نظر تنوع مفاهیم و وسعت معانی و سیر تاریخی و برداشت ادبی چنان ابعاد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آنرا به محدوده مفهوم و معنی «دانش و تربیت» منحصر دانست. در شصت ساله اخیر - بیشتر یا کمتر - کلمه فرهنگ علاوه بر مفاهیم و معانی قدیم بارسنگین هم‌طرازی و هم‌معنایی با «کولتور» را نیز به دوش کشید<sup>۱</sup>. در زبانهای فرانسوی و انگلیسی نیز از سال ۱۸۷۱ کلمه «کولتور» و «کالچر» که در اصل به معنی کشت و زرع است این وظیفه را به عهده گرفت، هر چند گنجایش مفاهیم و تعاریف و تعابیر فراوان اجتماعی آنرا نداشت.

اصطلاح فرهنگ را امروز در عنوان کتابها و مقاله‌ها و بحث‌ها بصورت: فرهنگ روستائی، فرهنگ شهری، فرهنگ غذا خوردن، فرهنگ لباس پوشیدن فرهنگ معاشرت، فرهنگ آفریقائی، فرهنگ عشایری، فرهنگ فقر، فرهنگ طبقاتی، فرهنگ ماشینی (صنعتی)

---

۱- در زبان فارسی افغانستان و تاجیکستان اصطلاح کولتور بمفهوم جدید آن عیناً رایج گردیده، مثلاً در افغانستان «وزارت اطلاعات و کلتور» معادل «وزارت اطلاعات و فرهنگ» بکار می‌رود.

فرهنگ سنتی، فرهنگ باستانی فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی یا ترکیباتی مانند «با فرهنگ»، «بی فرهنگ»، «ضد فرهنگ»، «شبه-فرهنگ»، «فرهنگیان» و نمونه‌های فراوان دیگر در زمینه‌های فنی و اجتماعی و ادبی و اخلاقی و اعتقادی بکار می‌برند که اغلب با مفاهیم تربیت، معارف، سنن، فنون، شیوه، سیاست، اصول، هنر، تمدن و موازین معادل و مترادف است و در نهایت هیچکدام از این مفاهیم مغایر با تعاریف مردم‌شناسی نیست زیرا هر مفهومی که مورد نظر باشد، از تعریفی که فرهنگ را شامل تمامی میراث اندیشه‌ها و رفتارها و تجربه‌های انسان میدانند، بیرون نیست.

با توجه به قلمرو گسترده این تعاریف، امروزه در همه زمینه‌های علوم انسانی، هر پژوهش و نگارشی نیازمند شناخت کلی مراحل و تحولات فرهنگی است:

باستان‌شناسانی که ردپای مدنیت گذشته را در دل خاک می‌جویند، جغرافیادانانی که عوامل تغییر دهنده سطح زمین و مناطق مسکونی و نیز تلاش‌های انسان را در مساعد ساختن محیط زیست مطالعه می‌کنند، زبان‌شناسانی که با تحقیق درباره لغات و ترکیب عبارات و اشارات یک زبان مراتب خویشاوندی و مبادلات و مناسک اعتقادی قبیله‌ای فراموش شده را رهنمون می‌شوند،

تاریخ‌نگاران که با جستجو در اسناد و تحلیل رویدادهای گذشته غبار فراموشی را از دفتر زمان می‌رویند،

دوان‌شناسانی که رفتار افراد جامعه و چگونگی واکنش آنان را در برابر پدیده‌ها می‌سنجند،